



نوشتابه‌های حکلی

شاخت موضوع، آثار و احکام شراب

استاد فرزانه حضرت آیت الله مکنونام

عنوان	فهرست مطالب	صفحه
پیش‌گفتار.....		۷
قرآن کریم و نوشابه‌های الکلی.....		۱۱
احکام شراب در قرآن کریم.....		۱۳
تحلیل و بررسی آیات یاد شده.....		۱۳
روایات و مشروبات الکلی.....		۱۷
فهرست عناوین و احکام شراب در روایات.....		۱۹
احکام شراب.....		۲۰
دیگر احکام شراب و شراب خوار.....		۲۵
فلسفه‌ی حرمت مشروبات الکلی.....		۳۱
شراب و کاستی‌های روحی و روانی.....		۳۴
مقایسه‌ی زیان‌های جسمی و روحی شراب.....		۳۶
انواع شراب.....		۴۱

سرشناسه: نکونام، محمدرضا، ۱۳۲۷ -
 عنوان و پدیدآور: نوشابه‌های الکلی / مولف محمدرضا نکونام.
 مشخصات نشر: قم: ظهور شفق، ۱۳۸۶.
 مشخصات ظاهری: ۴۸ ص.
 شابک: ۲ - ۵۱ - ۲۸۰۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
 یادداشت: کتابنامه: ص، [۴۸]: همچنین به صورت زیر نویس.
 موضوع: آشامیدنی‌های الکلی -- تحریم (فقه).
 موضوع: آشامیدنی‌های الکلی -- تحریم.
 رده بندی کنکره: ۹ ن ۸ ن ۹ / ۱ BP۱۹۴
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۴
 شماره کتابخانه ملی: ۱۰۲۷۱۲۳



نوشابه‌های الکلی

تألیف: حضرت آیت الله العظمی محمدرضا نکونام

ناشر: ظهور شفق

محل چاپ: نگین

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۸۶

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۵۰۰۰ ریال

ایران، قم، بلوار امین، کوچه‌ی ۲۴، فرعی اول سمت چپ، شماره‌ی ۷۶

صندوق پستی: ۴۳۶۴ - ۳۷۱۸۵

تلفن: ۲۹۳۴۳۱۶ - ۰۲۵۱ • تلفکس: ۲۹۲۷۹۰۲ - ۰۲۵۱

www.Nekounam.ir www.Nekoonam.ir

ISBN: 978-964-2807-51-2

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

- ۴۲..... عرق میهن
- ۴۲..... عرق خورشید
- ۴۳..... عرق پنجاه و پنج
- ۴۳..... عرق سلطانی
- ۴۳..... کنیاک حصیری
- ۴۳..... شراب طبی
- ۴۴..... آب جو
- ۴۵..... اصطلاحات
- ۴۵..... خلاصه‌ی بحث
- ۴۷..... فهرست منابع

پیش‌گفتار

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين.

یکی از احکام ضروری و شناخته شده‌ی دین اسلام حرمت شراب و نوشابه‌های مست‌کننده و الکلی است.

اسلام به شدت از شرب هرگونه مایع مست‌کننده‌ای منع کرده و در قانون جزایی خود احکام پیش‌گیرانه‌ای را برای آن در نظر گرفته و با بزه‌کار به شدت و سختی برخورد نموده است. از آن‌جا که حرمت شراب یکی از شعارهای اصلی دین اسلام به شمار می‌رود، استعمارکهن برای درهم شکستن روحیه‌ی ایمانی مسلمانان همواره بر ترویج و اشاعه‌ی آن همت داشته و

همیشه جوانان را به آشامیدن آن تشویق می‌نماید تا با نفوذ و ایجاد تزلزل در همت جوانان مسلمان و تضعیف روحیه و تزریق حسن ضعف و زبونی، آنان را به هر گناهی وادار نماید. نوشتار حاضر با بررسی دیدگاه شریعت و نظرگاه دین به مشروبات الکلی و شراب، به ارایی‌های فهرست احکام و پی‌آمدهای این ماده‌ی خانمان‌سوز می‌پردازد و در پایان، برای شناخت هرچه بیش‌تر خواننده و از آن‌جا که با شناخت فاسد است که می‌توان از فساد دوری نمود، نمونه‌های شراب را برشمرد تا موضوع شراب هرچه بیش‌تر برای خواننده روشن گردد و با دریافت موضوع، حکم آن را به خوبی بشناسد. هم‌چنین در این کتاب، فلسفه و برخی از حکمت‌های تحریم شراب تبیین و بیماری‌های جسمی و روحی بسیاری که از این ریشه‌ی فساد ناشی می‌گردد بر شمرده است.

برای نمونه، از کار افتادن دستگاه گوارش و نیز سلول‌های مغزی و ایجاد اختلال در دستگاه تولید مثل، برخی از ضررهای جسمانی آن است.

آثار زیانبار شراب منحصر در زیان‌های جسمی نیست و زیان‌های اجتماعی و حیثیتی، انحطاط اخلاقی و تعدی به حقوق دیگران و تجاوزهای ناموسی نیز از دیگر پی‌آمدهای آن است و اضطراب و پریشانی خاطر و ایجاد استرس تنیدگی و از دست دادن حس خودباوری نیز از ضررهای روانی این ماده‌ی شیطانی است و با این همه، متأسفانه از ناحیه‌ی جوامع استکباری روزبه‌روز بیش از پیش به جوامع انسانی تزریق می‌شود و جوانان بسیاری را تهدید می‌نماید.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین



قرآن کریم و نوشابه الکلی

شریعت به طور کلی از شراب و مسکرات الکلی و مایعات مست کننده بسیار پرهیز داده و آن را در ردیف زشت ترین منکرات؛ هم چون شرک و کفر آورده است.

در این جا گزیده ای از عناوین مذمومی که در قرآن کریم و سنت معصومین علیهم السلام نسبت به شراب آمده است مطرح می شود تا پلیدی و زشتی مصرف آن بیش از پیش روشن گردد.

قرآن کریم برای شراب آثار و اوصاف زیر را بیان کرده است:

﴿إثم كبير﴾^۱؛ گناهی بزرگ است.

﴿منافع للناس﴾^۱؛ در آن فوایدی است.

﴿رجس﴾^۲؛ پلیدی است.

﴿من عمل الشیطان﴾^۳؛ از کرده‌های شیطان

است.

﴿لعلکم تفلحون﴾^۴؛ مانع من الفلاح؛ مانع از

رستگاری است.

﴿بیریده الشیطان﴾^۵؛ شیطان آن را می‌خواهد.

﴿یوقع بینکم العداوة والبغضاء﴾^۶؛ میان شما

دشمنی و کینه می‌اندازد.

﴿یصدّ عن ذکرالله﴾^۷؛ مانع از ذکر الهی است.

﴿یصدّ عن الصلاة﴾^۸؛ مانع از گزاردن نماز

است.

﴿سکاری﴾^۹؛ مست کننده و از بین برنده‌ی

عقل است.

﴿لا یعلم الانسان ما یقول﴾^{۱۰}؛ با مصرف آن،

انسان نمی‌داند که چه می‌گوید.

۱- بقرة / ۲۱۹. ۲- مائده / ۹۰.
 ۳- مائده / ۹۰. ۴- مائده / ۹۰.
 ۵- مائده / ۹۱. ۶- مائده / ۹۱.
 ۷- مائده / ۹۱. ۸- مائده / ۹۱.
 ۹- نساء / ۴۳. ۱۰- نساء / ۴۳.

أحكام شراب در قرآن کریم

﴿اثمهما أكبر من نفعهما﴾^۱؛ گناه است و گناه آن

بیش از فایده‌ی آن است.

﴿فاجتنبوه﴾^۲؛ از آن پرهیز نمایید.

﴿فهل أتمم منتهون﴾^۳؛ از آن دست بردارید. آیا

از آن پرهیز می‌نمایید؟

﴿لا تقربوا الصلاة وأنتم سكارى﴾^۴؛ در حال

مستی به نماز روی نیاورید.

تحلیل و بررسی آیات یاد شده

۱ - ﴿يسألونك عن الخمر و الميسر قل فيهما إثم

كبير﴾^۵؛ ای پیامبر، درباره‌ی شراب و قمار از تو

می‌پرسند، بگو: گناه و زیان بزرگی در آن است.

در آیه‌ی شریفه، خمر در کنار قمار قرار گرفته

است و عنوان گناه و معصیت بزرگ را دارد؛ زیرا

مفاسد فراوان و عوارض بسیاری را در بردارد؛

به‌ویژه که لسان آیه این است که: ﴿فيهما اثم

كبير﴾، این دو گناه چنان بزرگ است که می‌تواند

سبب گناهان بسیار دیگری شود.

۱- بقرة / ۲۱۹. ۲- مائده / ۹۰.
 ۳- مائده / ۹۱. ۴- نساء / ۴۳.
 ۵- بقرة / ۲۱۷.

۲ - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ
وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ، فَاجْتَنِبُوهُ،
لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ﴾^۱؛ ای کسانی که ایمان آوردید،
شراب، قمار، بت‌ها و ازلام - نوعی قمار - پلید و
از کردار شیطان است، از آن دوری کنید تا
رستگار شوید.

آیه‌ی کریمه به اعتبار اهمیتی که داراست به
نفس سالم و فهم افراد وارسته نیاز دارد و تنها
مؤمن را مورد خطاب قرار می‌دهد و «خمر» را در
ردیف اساسی‌ترین مفسد که «میسر»، «انصاب»
و «ازلام» است قرار می‌دهد که این خود، بیان
مصدقی نسبت به مفسد خمر است.
می‌فرماید: «خمر پلید و عمل شیطان است». این
دو وصف، خیر بودن شراب را نفی می‌کند؛
به‌ویژه که به اجتناب و دوری از آن نیز امر شده
است و غایت آن را در پایان می‌آورد.

خداوند در صدر آیه، اهل ایمان را با وصف
«مؤمنون» و در ذیل با عنوان «مفلحون» یاد

می‌کند و با بیان اوصاف مصداقی و وصفی،
همه‌ی شومی و پلیدی خمر را بیان می‌نماید که
دو چهره‌ی صلاح و فساد را با بیان مصداق و
افراد مطرح می‌سازد.

۳ - ﴿إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ
وَالْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ، وَيَصِدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ،
وَعَنِ الصَّلَاةِ﴾^۱؛ خمر و میسر، موضوع پیدایش
دشمنی و کینه است و این دو، نتیجه‌ی قهری
فعلیت اراده‌ی شیطان است. خمر و میسر، به
اراده‌ی شیطان، عامل دشمنی و کینه است و هر
یک از این دو به‌طور مستقیم به شیطان منسوب
گردیده است.

پس خمر، چیزی جدای از متعلق اراده‌ی
شیطان نیست و در این صورت، زمینه‌ای برای
اصلاح ندارد، جمله‌ی ﴿وَيَصِدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ، وَعَنِ
الصَّلَاةِ﴾ روشن‌گر این بیان است که خمر مانع ذکر
حق، نماز و عبادت - که مظهر صلاح و رستگاری
است - می‌شود.

از این آیات به خوبی به دست می‌آید که
خمر، وسیله و عامل اقتدار شیطان و موضوع
تحقق هر پلیدی و غایت انحطاط انسان است که
این همه، خبثات، زشتی‌ها و بی‌خیری‌ها آن را به
انسان می‌رساند.

روایات و مشروبات الکلی

مأثورات و روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام
نسبت به شراب، از کمیت و کیفیت بالایی
برخوردار است و لایه‌های فلسفی، اجتماعی،
اخلاقی و دیگر ابعاد آن را بررسی نموده است
که فهرستی از آن در این بخش می‌آید. برای
نمونه، حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «لعن
الله الخمر وشاربها وساقیها وبایعها ومبتاعها وعاصرها
وحاملها والمحمولة إليه و آكل ثمنها»^۱.
حضرت در این روایت، تمام کسانی را که به

۱- میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،
ج ۱۷، قم - مؤسسة آل‌البيت علیهم‌السلام، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ ق، ص ۷۵،
ح ۲۰۸۰۵.

نحوی به تهیه و مصرف مشروبات الکلی مشغول هستند مورد لعن حق قرار داده است.

از شراب، ساقی، فروشنده، خریدار و فشرنده‌ی آن - کسی که آب انگور را می‌گیرد - تا حامل و دیگر کارپردازان و مصرف‌کنندگان آن و تا هزینه‌ها و درآمد، همه و همه یک به یک مورد لعن حق قرار گرفته که بیان‌گر نفرت شدید حضرت رسول الله ﷺ از مسکرات و مشروبات الکلی است.

هم‌چنین حضرت امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «لو أنَّ قطرة من الخمر قطرت في بئر ونزح ماء ذلك البئر وسقى به أرض فأنتبت حشيشاً وبيس ذلك الحشيش ثم إنَّ شاةً رعت من ذلك الحشيش فاختلطت في قطيع غنم واشتبهت ثم ذبحت تلك الشياة كلَّها لم أكل من لحومها شيئاً».

بیان حضرت، عالی‌ترین، بلیغ‌ترین، گویا و رساترین بیان در تنفر دین و اولیای حق نسبت به نوشابه‌های الکلی است.

حضرت می‌فرماید: «اگر قطره‌ای شراب در چاه آبی بریزد و از آب آن زمینی آبیاری شود تا

گیاهی از آن بروید و آن گیاه بخشکد و گوسفندی آن را بخورد و با دیگر گوسفندان اشتباه شود، من ذره‌ای از گوشت تمامی آن گوسفندان نمی‌خورم.» آن حضرت در بیان رسا و گویای خود، شدت نفرت و منتهای پرهیز از شراب را به‌طور صریح و قاطع بیان می‌دارد؛ در حالی که قطره‌ای شراب، ضرری به آب چاه نمی‌رساند و گیاهی که از آن آب می‌روید، اثری از خمر در بر ندارد و آن گوسفند نیز، تمامی گوسفندان را آلوده نمی‌سازد.

پس به‌طور کلی، از شراب و مسکرات الکلی و مایعات مست‌کننده در شریعت بسیار پرهیز داده شده و آن را در ردیف زشت‌ترین منکرات؛ هم‌چون شرک، کفر و قمار آورده است.

در این جا گزیده‌ای از عناوین مذمومی که در قرآن کریم و سنت معصومین علیهم السلام نسبت به شراب آمده است مطرح می‌شود تا پیلیدی و زشتی مصرف آن بیش از پیش روشن گردد.

فهرست عناوین و احکام شراب در روایات

در روایات ما برای نوشابه‌های الکلی اوصاف و آثار و احکام بسیاری ذکر شده که مهم‌ترین آن

عبارت است از:

«الخبيث»^۱؛ خبیث و پلید است.

«أصله حرام»^۲؛ اصل آن حرام است.

«ان الله لم يجعل فيه شفاء»^۳؛ خداوند در آن

شفای قرار نداده است.

«وفساده»^۴؛ فسادانگیز است.

«مدمن الخمر كعابد وثن»^۵؛ کسی که همیشه از

آن می‌خورد همانند بت پرست است.

«يورثه الارتعاش»^۶؛ ریشه را سبب می‌شود.

«تذهب بنوره»^۷؛ نور را می‌برد.

احکام شراب

«إذا أصاب ثوبك، فاغسل»^۸؛ اگر شراب به

جامه‌ی تو رسید، آن را بشوی.

«إن لم تعرف موضعه، فاغسله كله»^۹؛ اگر جایی

که شراب به آن رسیده است را نمی‌دانی، همه‌ی

آن را بشوی.

۱- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۷۹. ۲- الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۵۷.

۳- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۷۵. ۴- علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۷۶.

۵- الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۰. ۶- الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۰.

۷- علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۷۶.

۸- الکافی، ج ۳، ص ۴۰۵. ۹- الکافی، ج ۳، ص ۴۰۵.

«إن صلّيت فيه فأعد»^۱؛ اگر در جامه‌ای نماز

گزارده‌ای که به شراب آلوده بوده، آن را دوباره بگزار.

«لا تصلّ في الثوب الذي أصابه خمر»^۲؛ در

لباسی که به شراب آلوده شده نماز مگذار.

«إن الحنطة إذا أصيب عليها خمر لا يطهر عجينها

وخبزها»^۳؛ چنان‌چه به گندم شراب رسیده باشد،

آرد و گندم آن پاک نمی‌گردد.

«للإناء الذي شرب فيه الخمر لغسل ثلاث

مرّات»^۴؛ ظرفی که به شراب آلوده شده است در

آب قلیل سه بار شسته می‌شود.

«البئر الذي يقع فيه الخمر ينزح كله»^۵؛ چاهی که

در آن شراب ریخته شده، همه‌ی آب آن کشیده

می‌شود.

«ينزح الثلاثون أو عشرون»^۶؛ از چاهی که در آن

شراب ریخته شده سی یا چهل دلو کشیده می‌شود.

«القدر الذي فيه لحم ومرق كثير إذا قطع فيه قطرة

۱- الکافی، ج ۳، ص ۴۰۵. ۲- الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۵۷.

۳- الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۵۶. ۴- الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۷۴.

۵- الوسائل، ج ۱، ص ۱۳۲. ۶- الوسائل، ج ۱، ص ۱۳۲.



خمر يهراق»^۱؛ ظرفی که در آن گوشت و سوپ زیادی است؛ چنانچه قطره‌ای شراب در آن بیفتد، دور ریخته می‌شود.

«إذا قطر خمر في عجين فسد»^۲؛ اگر قطره‌ای شراب در خمیر ریخته شود، همه‌ی آن فاسد می‌گردد.

«لا يؤکل فی آتیه أهل الكتاب... لأنهم لا يتوقون الخمر»^۳؛ در ظرف‌های اهل کتاب غذا نخورید؛ چون آنان از شراب دوری ندارند.

«حرمة الجلوس علی مائدة فیها خمر»^۴؛ نشستن بر سفره‌ای که در آن شراب است، حرام است.

«حرم الله ثمنه»^۵؛ پولی که در برابر شراب گرفته می‌شود حرام است.

«لجلدت شاربہ ثمانین جلدۃ»^۶؛ کسی که شراب می‌خورد هشتاد تازیانه حد زده می‌شود.

«لقتلت بایعه»^۷؛ شراب فروش کشته می‌شود.

«لا یجوز تزویجه»^۸؛ به کسی که شراب می‌خورد نباید همسر داد.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۱۲.

۲- الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۵۶. ۳- الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۸۵.

۴- الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۰۰. ۵- الوسائل، ج ۱۲، ص ۶۱.

۶- الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۶. ۷- الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

۸- الوسائل، ج ۱۴، ص ۵۳.

«لا یقبل صلاته سبعاً أو أربعین صباحاً»^۱؛ نماز شراب‌خوار هفت یا چهل روز پذیرفته نمی‌گردد.

«لا یتداوی به»^۲؛ با شراب درمان نمی‌شود.

«إن عاد بعد الحدین فاقتلوه»^۳؛ اگر شراب‌خوار بعد از اجرای دو بار حد، باز شراب خورد، کشته می‌شود.

«بیع العصیر فیمن یعمله خمرأ حرام»^۴؛ فروش انگور به کسی که آن را شراب می‌سازد، حرام است.

«یعدم مروّته»^۵؛ مردانگی شراب‌خوار از بین می‌رود.

«یحمله علی أن یجسر علی سفک الدماء»^۶؛ خوردن شراب، فرد را بر ریختن خون مردمان جسور می‌سازد.

«ورکوب الزنا»^۷؛ او را به زنا می‌کشاند.

«لا یؤمن أن یشیب علی حرمة»^۸؛ شراب‌خوار از انجام حرامی در امان نیست.

۱- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۳۸. ۲- الوسائل، ج ۱۷، ص ۶۷.

۳- وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۴۷۵.

۴- الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۸. ۵- الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۰.

۶- الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۰. ۷- الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۰.

۸- الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۰.

«لا یزداد شاربه إلا شرراً»^۱؛ شراب برای شراب‌خوار جز شر نیفزاید.

«لا یعقل»^۲؛ شراب‌خوار اندیشه نمی‌کند و عقل خود را از دست می‌دهد.

«حرمها لفعالها وفسادها»^۳؛ شراب به سبب فعل و فساد می‌انگیزد، حرام است.

«لا شفاء فیه»^۴؛ شفا و درمانی در آن نیست.

«لا یشرّب الخمر وهو مؤمن»^۵؛ کسی که مؤمن است در حال ایمان خود شراب نمی‌خورد.

«من شرب الخمر خرج من الایمان»^۶؛ کسی که شراب بنخورد، از ایمان خارج می‌شود.

«ملعون من کان مصرّاً علی شرب الخمر»^۷؛ کسی که بر خوردن شراب اصرار بورزد، ملعون است.

«وغارسها و عامرها وشاربها و ساقیها»^۸؛ کسی که درخت انگور برای گرفتن شراب می‌کارد، یا آن را آباد می‌سازد، یا آن را می‌نوشد و هم‌چنین کسی که آن را می‌نوشاند، همه ملعون هستند.

۱- الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۰. ۲- الوسائل، ج ۱۱، ص ۵۱۸.
 ۳- الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۰.
 ۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۱۷.
 ۵- الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۵۴. ۶- الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۵۵.
 ۷- الوسائل، ج ۱۱، ص ۵۱۹. ۸- الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۴.

«شارب الخمر من السّفلة»^۱ شراب‌خوار از مردم فرومایه و پست است.

«قرنها الله بالأوثان»^۲؛ خداوند شراب‌خواری را با بت‌پرستی همراه ساخته است.

«لا سفیه أسفه من شارب الخمر»^۳؛ سفیه‌تر و نادان‌تر از شراب‌خوار وجود ندارد.

«من سهم ابلیس»^۴؛ شراب تیری از تیرهای شیطان است.

«ما بعث الله نبیاً إلاّ بتحريم الخمر»^۵؛ خداوند پیامبری را نفرستاده مگر آن که شراب را برای او حرام ساخته است.

دیگر احکام شراب و شراب‌خوار

«إذا تحوّل عن اسم الخمر فلا بأس»^۶؛ اگر شراب دگرگون گردد و به چیز دیگری (همانند سرکه) تبدیل شود، اشکالی ندارد.

«من فاق علی نفسه العطش یشرب منه»^۷؛ کسی که می‌ترسد از تشنگی هلاک شود، به کم‌ترین مقدار لازم از آن بنوشد.

۱- الوسائل، ج ۲، ص ۲۳۴. ۲- الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۴۰.
 ۳- الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۳۰. ۴- الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۶.
 ۵- الوسائل، ج ۳، ص ۵۷۳. ۶- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۹۷.
 ۷- الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۲.

«لا يعطى من الزكاة»^۱؛ به شراب خوار زکات داده نمی‌شود.

«من الكبائر»^۲؛ شراب‌خواری از گناهان کبیره است.

«لا يدخل الجنة مدمن الخمر»؛ کسی که دایم شراب می‌نوشد، به بهشت داخل نمی‌شود.

«ثمنه سحت»^۳؛ بهای آن باطل است.

«من یؤجر بینه لیبیع الخمر تحرم أجرته»^۴؛ کسی که منزل خود را برای ساخت شراب اجاره دهد اجاره‌ی آن باطل است.

«لا یؤتمن أمانته»^۵؛ شراب‌خوار امانت‌دار نیست.

«لا تسترضع شاریة الخمر»^۶؛ برای کودکان خود زن شراب‌خوار دایه نگیرید.

«إذا أسکر کثیره، فقلیله حرام»^۷؛ اگر مایعی بسیار آن مستی‌آور باشد، اندک آن نیز حرام است.

«حرام بیعها و شرائها ولا انتفاع بها»^۸؛ فروش و خرید و هر گونه بهره‌ای از شراب حرام است.

۱- الوسائل، ج ۶، ص ۱۷۱. ۲- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۰.
 ۳- الوسائل، ج ۶، ص ۳۱۷. ۴- الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۶.
 ۵- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۴۸. ۶- الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۵.
 ۷- الوسائل، ج ۱۷، ص ۷۵. ۸- الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۴.

«سقاء الله من طينة بئر خبال»^۱؛ کسی که شراب نوشد، خداوند او را از گل سرشته شده از زردابه‌ی دوزخیان سیراب می‌کند.

«قبل الثلثان من سهم ابلیس»^۲؛ هنگامی که انگور به جوش آید و دو سوم آن نجوشد و تبخیر نشود، دو سوم آن سهم ابلیس است.

«لا یسقی للذواب»^۳؛ از شراب به حیوانات نوشانده نشود.

«لا یشفع إذا شفع»^۴؛ از شراب‌خوار شفاعت نمی‌شود هنگامی که شفاعت بخواهد.

«لا یصدق إذا حدث»^۵؛ اگر از حادثه‌ای خبر دهد، خبر او راست شمرده نمی‌شود.

«لا یعاد إذا مرض»^۶؛ چون شراب‌خوار بیمار شود، از او عیادت نمی‌شود.

«لا یشهد جنازته»^۷؛ بر جنازه‌ی او حاضر نشود.

«لا تزکوا إذا أشهد»^۸؛ شهادت او پذیرفته نیست و از فسق به هنگام شهادت دور داشته نمی‌شود.

۱- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۲۳. ۲- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۲۶.
 ۳- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۴۶. ۴- الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۳۰.
 ۵- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۴۷. ۶- الوسائل، ج ۱۴، ص ۵۳.
 ۷- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۴۳. ۸- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۴۷.



«لا تأتمنوه علی امانة»^۱؛ شراب‌خوار را امین
نشمارید.

«شرب الخمر أشدّ من ترك الصلاة»^۲؛ نوشیدن
شراب از ترک کردن نماز بدتر است.

«من یبجلّ مودّتنا فلیجنب کلّ مسکر»^۳؛ کسی که
دوستی ما را می‌خواهد از خوردن شراب دوری
بجوید.

«المضطر لا یشرّب الخمر»^۴؛ در حال اضطرار
نیز شراب ننوشید.

«إذا سکر هدی»^۵؛ چون شراب‌خوار به مستی
افتد هذیان گوید و بیهوده گویی نماید.

«إذا شربها فرق الله علیه سرباله»^۶؛ اگر شراب
نوشد، خداوند او را از لباسش جدا کند.

«کان ولیّه وأخوه الشیطان»^۷؛ سرپرست و
دوستدار و برادر او شیطان است.

«یسوقه إلى کلّ شر»^۸؛ شراب او را به هر بدی
دیگری بکشاند.

۱- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۴۷. ۲- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۴۷.
۳- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۲. ۴- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۷۷.
۵- الوسائل، ج ۱۸، ص ۴۳۳. ۶- الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷.
۷- الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷. ۸- الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷.

«یصرفه عن کلّ خیر»^۱؛ خوردن شراب او را از
هر خیری باز دارد.

«یصیر إلى حال لا یعرف ربّه»^۲؛ به جایی
می‌رسد که دیگر حتی خدای خویش را نیز
نمی‌شناسد.

«مفتاح باب المعصیة»^۳؛ کلید هر گناهی است.
«رأس کلّ إثم»^۴؛ ریشه‌ی هر گناهی است.

«مکذّب بکتاب الله»^۵؛ شراب‌خوار کتاب الهی
را تکذیب می‌کند.

«أشدّ من الزنا والسرقه»^۶؛ از دزدی و زنا بدتر
است.

«أكبر الكبائر شرب الخمر»^۷؛ بزرگ‌ترین گناهان
خوردن شراب است.

«لأنّها أمّ الخبائث»^۸؛ مادر و ریشه‌ی همه‌ی
گناهان است.

«یسلب بسببه لبّه»^۹؛ عقل و خرد آدمی به
سبب آن گرفته می‌شود.

۱- الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷. ۲- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۰.
۳- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۱. ۴- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۱.
۵- الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۹. ۶- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۲.
۷- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۲. ۸- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۳.
۹- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۳.

«تقطع الرحم»^۱؛ شراب قطع رحم می‌نماید و پیوند خویشاوندی را از بین می‌برد.

«بأتی بكلّ فاحشة»^۲؛ شراب خوار به هر فحشایی تن در می‌دهد.

«زمامه بيد الشيطان»^۳؛ افسار شراب خوار به دستان شیطان است.

«أن أمره الشيطان سجد للأوثان»^۴؛ شیطان او را به بت پرستی و سجده برای بتان وا می‌دارد.

«شارب الخمر کافر»^۵؛ خورنده‌ی شراب کافر است.

«لا عصمة بیننا و بینة»^۶؛ میان ما و شراب خوار پیوندی نیست.

«حرم الله لما فیها من الفساد و من تغیر عقول شاربها»^۷؛ خداوند شراب را به سبب فسادی که در آن است و هم‌چنین برای این که عقل و خرد

آدمیان را تغییر می‌دهد حرام کرده است.

«یحمله علی انکار الله و الفرية علیه و علی رسله»^۸؛ شراب‌خواری، او را به انکار خدا و دروغ بستن بر او و رسول او می‌کشاند.

۱- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۳.

۲- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۳.

۳- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۳.

۴- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۲.

۵- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۲.

۶- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۲.

۷- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۲.

۸- الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۲.

فقهی حرمت مشروبات الکلی

حرمت شراب و دیگر مسکرات ملاک‌ها و علت‌های بسیاری هم‌چون مفسد و ضررهای روحی، روانی و جسمانی دارد که بسیاری از دانش‌مندان در این زمینه، تحقیقات دامنه‌داری داشته‌اند.

به طور نسبی، مواد و ترکیبات شراب و بسیاری از مشروبات الکلی، بلکه همه‌ی اقسام آن، از هر نوع که باشد، زیان‌های فراوانی دارد و در درازمدت، بیماری‌های جسمی و روحی بسیاری را برای افراد در بر دارد و بدن، مزاج، نفس و روح آدمی را از اعتدال دور می‌سازد و او را در محاصره‌ی جدی و خطر قطعی قرار

می‌دهد؛ به خصوص افراد معتادی که در استفاده از این گونه مواد استمرار می‌ورزند.

این دسته مواد و مسکرات، بدن را مسموم می‌سازد و تمام اعضا و جوارح آدمی را از کار طبیعی و منظم خود باز می‌دارد.

معهده معتادان به این گونه مسکرات، بر اثر تکرار مصرف آن فراخ و وسیع می‌گردد و تورم یا جمع شدن معده و مشکلات شرایین را به دنبال دارد. روده‌ها و دهلیزهای قلب متورم و نامتعادل می‌گردد و در حلق ایجاد تورم می‌کند. شخصی که اعتیاد به مسکرات دارد، دیگر طعم و مزه‌ی چندانی از غذا و دیگر مشروبات سالم را احساس نمی‌کند و معده‌ی وی، آثار و خواص فراوانی از این گونه طیبات را از دست می‌دهد.

ضرر دیگر مصرف فراوان شراب در سلول‌های مغزی و عصبی ظاهر می‌شود که گذشته از اختلالات روحی و روانی، عامل مهمی برای انحطاط نطفه و ایجاد اختلال در تولید نسل می‌باشد.

هم‌چنین میزان مصرف، تکرار و استمرار در استفاده‌ی آن سلامت نطفه و فرزند را به خطر می‌اندازد و در درازمدت و به وراثت بر نسل

تاثیر می‌گذارد؛ به طوری که امکان پیدایش پی‌آمدهای شوم آن در نسل‌های بعدی به درصد بالایی وجود دارد.

از ضررهای دیگر آن می‌توان به ضعف و کندی حافظه و مخاطرات ذهنی و سوء هاضمه و امکان فلج اطفال در نسل‌های آینده اشاره کرد. بنابراین، ضرر و زیان‌های جسمانی و انفعالات طبیعی شراب قابل تردید نیست و هر عاقل و فهمیده‌ای را به فکر واد می‌دارد.

گرفتاری‌ها و پی‌آمدهای مستقیم و یا غیرمستقیم، بی‌واسطه یا باواسطه‌ی آن بر نسل‌های آینده، در بسیاری از مواقع - در درازمدت - از دیگر آثار شوم و زیان‌بار آن است و این امر در نسل‌های بعدی به طور چشم‌گیر مشاهده می‌شود و دنیای علمی امروز نیز از مشکلات آن بخوبی آگاه است و آموزه‌های دینی را که در این زمینه وارد شده است، تحسین می‌نماید.

تمامی ضررهای یاد شده و دیگر زیان‌های ممکن، در درازمدت قابل اهمیت و مورد مخاطره است؛ هرچند در کوتاه‌مدت و به طور کم، زیان محسوسی ندارد و استعداد افراد نسبت

به ابتلای آن مختلف است و از این رو، چه بسا بعضی، زیان‌باری‌های کلی و خطرات محسوس آن را چندان نپذیرند، ولی در هر صورت، شومی و تباهی طبیعی، معنوی، و اخلاقی و اجتماعی آن قابل انکار نیست. البته، هر عاقل و اندیش‌مند منصفی احتمال ضرر نداشتن مصرف این‌گونه مسکرات را هرگز روا نمی‌داند، این در حالی است که برای منافع احتمالی آن دلیل روشنی ارائه نشده است.

شراب و کاستی‌های روحی و روانی

جهت زیان‌بار دیگری که بیش‌تر از بیماری‌های جسمانی دردآور و خطرناک‌تر است جنبه‌ی نفسی و کاستی‌های روحی و روانی آن می‌باشد. فرد بر اثر آشامیدن این‌گونه مسکرات مسموم و خطرناک، به کلی از خود بی‌خود می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حرکاتی که مناسب شخصیت انسان عاقل نیست، از او سر می‌زند. انسانی که سزاوار کرامت و سرآمد مخلوقات است با مصرف این‌گونه مسکرات مسموم، چنان از موقعیت اخلاقی و آگاهی خود سقوط می‌کند که گویی پست‌ترین موجود است و از

هیچ‌گونه جنایت و جسارتی دریغ ندارد و به هر فساد و تباهی و هرگونه بی‌شرمی و خودفروشی، تا نابودی حیات و اضمحلال شخصیت و آلودگی نوامیس و مقدسات خود تن در می‌دهد. تاریخ و عینیت جامعه در همه‌ی دوران، شاهد چنین موقعیتی بوده است.

افزوده بر این، مفاسد عمومی و تخلفات اخلاقی، تجاوز و تعدی اجتماعی و زیان‌های انسانی، امراض روحی و کمبودهای روانی از دیگر آثار کلی و دایمی آن است.

افرادی که مبتلا و معتاد به مشروبات مسموم الکلی هستند، سلامت نفس و صحت روح و تعادل اندیشه ندارند و در بسیاری از موارد، سرانجامی جز بی‌تفاوتی‌های محسوس و جنون سخت و حتی خودکشی یا به‌طور فراوان دست یازیدن به کشتار دیگران ندارند.

گذشته از آثار بسیار وخیمی که نسبت به روان انسانی، حتی در نسل‌های بعدی می‌گزارد؛ بیماری‌های خطرناک دیگری؛ مانند: فراموشی، سستی و ضعف حافظه، معلولیت‌های عمومی، نواقص عضوی و کمبودهای روحی-روانی و

بسیاری از حوادث شوم نفسی دیگر در انسان‌ها و در ضمن نسل‌های متعدد این‌گونه افراد به طور محسوس مشاهده می‌شود.

مقایسه‌ی زیان‌های جسمی و روحی شراب

موضوع بسیار قابل اهمیتی که باید بر آن پای فشاری فراوان داشت این است که امراض روحی و نواقص روانی این‌گونه مشروبات الکلی کلیت دارد و مورد تخلف واقع نمی‌شود.

مصرف این‌گونه مشروبات مسموم، آثار شوم روحی و کمبودهای روانی مخصوص خود را به دنبال دارد و در این جهت تخلفی پیش نمی‌آید؛ تخلفی که در امراض و کمبودهای جسمانی امکان‌پذیر می‌باشد.

این مواد ممکن است آثار و امراض جسمانی خود را در زمان طولانی نمایان کند و درگیری‌های مزاجی ایجاد نماید، ولی در جهت روانی هرگز مورد تخلف قرار نمی‌گیرد و مصرف این‌گونه مشروبات؛ هرچند اندک نیز باشد، آثار شوم روحی خود را به دنبال دارد و ممکن نیست با وجود مصرف این‌گونه مشروبات، آدمی دستخوش بیماری‌های روحی و کمبودهای

روانی آن نشود. بله، در جهات جسمانی و کمبودهای بدنی، امکان چنین تخلفی کم‌تر وجود دارد، ولی نمی‌توان احتمال تخلف کلی را نادیده گرفت.

زیان‌های این مواد در جهات معنوی به مراتب بیش‌تر و از قطعیت بالاتری برخوردار است و هرگز تخلف در آن راه ندارد؛ اگرچه تنها برای یک‌بار مصرف شود.

در مقایسه‌ای کلی می‌توان گفت: زیان‌های شراب در جهات روحی و روانی به مراتب بیش از مشکلات مادی و مزاجی آن می‌باشد و در جهت معنوی، مشکلات این ماده‌ی شوم شیطانی به مراتب بیش‌تر از مفسد روحی-روانی است؛ به طوری که مصرف یک‌بار آن می‌تواند تعادل معنوی انسان را به طور کلی و به گونه‌ای در هم ریزد که گویی این ماده‌ی شوم شیطانی در تخریب معنوی بشر رقیبی ندارد.

بر این اساس، مشروبات مسموم الکلی تنها به مشکلات جسمانی و یا روحی منحصر نیست و از لایه‌های شوم دیگری نیز برخوردار است، از جمله: زیان‌های اجتماعی، انحطاط اخلاقی،

فحشای عمومی، تعدی به حقوق شخصی و عمومی و تجاوزهای غیر اخلاقی و ناموسی از مفسد و انحرافات این امر است و قابل انکار نیست و باید به‌طور کلی این ماده‌ی شیطانی را کلید همه‌ی مفسد دانست؛ زیرا کسی که مست است از حالت طبیعی خارج می‌گردد و هیچ شأن انسانی برای وی باقی نمی‌ماند و خود را ناخودآگاه در گرداب هرگونه حادثه و انحرافی قرار می‌دهد.

اسلام برای دفع این مفسد از حریم جامعه‌ی انسانی و تحکیم اخلاق فردی و اجتماعی، به‌طور صریح و قاطع، حرمت مشروبات الکلی را با ملاک و میزان اعلام کرده و آدمی را از هرگونه مفسد شوم آن باز داشته که در ادامه، آیات و روایات و عناوین و احکامی که در قرآن و سنت در این موضوع وارد شده است به اجمال می‌آید. در مقابل اسلام و سنت عملی دین، باید نظری نیز به وضع نابسامان دنیای امروز نمود و دید که مرام‌ها، ادیان تحریفی، کلیساها، گروه‌ها، انجمن‌ها، دولت‌ها و متفکران غیرمسلمان جهان، نسبت به این‌گونه مشروبات الکلی چه

نظرگاهی را انتخاب کرده‌اند و این ماده‌ی خانمان‌سوز شیطانی را چگونه تفسیر می‌نمایند؟ دنیای تمدن، تجدد، فرهنگ و هنر امروزی، به‌طور کلی به این ماده‌ی شوم و پلید شیطانی آلوده است و آمیزشی تمام با کلیه‌ی انواع مشروبات الکلی - این ماده‌ی فساد و تباهی - دارد و همه‌ی نیروهای موجود خود را درگیر آن کرده است و جوامع انسانی را از فساد و تباهی پر نموده‌اند که این خود، مانع بزرگی برای صفا و معنویت افراد و جوامع انسانی در تمامی زمینه‌های رشد و پاکی است.

دنیایی که سراسر آن فحشا، بی‌عفتی، بی‌بند و باری، خیانت و ترویج این‌گونه امور موهوم و واهی سرلوحه‌ی سیاستش می‌باشد، هرگز راه صلاح و راستی را دنبال نخواهد کرد.

سردمداران دنیا و دنیاداران جهانی، امروزه، نه تنها فکری برای رفع این‌گونه مفسد نمی‌کنند، بلکه خود عاملی برای گسترش آن می‌باشند. این افراد، خود فاسدترین قشر جوامع انسانی و آلوده‌ترین گروه شیطانی و عشرت‌نشینان دنیای امروزی هستند. آری، با وضع کنونی دنیا و چنین

سردمدارانی، هرگز امکان صلاح و رستگاری عمومی برای جوامع انسانی وجود ندارد؛ جز آن که جوامع انسانی و مردم دنیا و پیشتازان فرهنگی، فکر اساسی و عملی برای رفع آن بنمایند و آن را عملی کنند که در این صورت، عمر تمامی این جنایت‌ها، بی‌عفتی‌ها، فسادها و هزاران گرفتاری‌های دیگر انسانی که از ثمرات شوم مشروبات مسموم الکلی است به پایان می‌رسد و جوامع بشری از شرّ این گونه امور آسوده می‌شوند که در غیر این صورت، هیچ یک از جوامع انسانی روی خوش نخواهد دید و هر روز، حیرت، سرگردانی، پریشانی و اضطراب آن‌ها بیش‌تر خواهد شد.

دنیای امروز به شدت درگیر چنین مسایلی شوم و ناامنی‌های روحی می‌باشد؛ به طوری که اکثر نیروهای عمومی خود را صرف فساد و تباهی ساخته تا جایی که افکار و اهداف انسانی، در سایه‌ی اقتصاد جهانی از این‌گونه امور متأثر گردیده است.

انواع شراب

شایسته است برای نمونه و آگاهی عمومی، اطلاعاتی کوتاه برای شناخت شراب، اقسام و انواع آن عنوان گردد تا این‌گونه امور به‌طور اجمالی برای همگان شناخته شود و آگاهی اندکی نسبت به آن حاصل گردد و خواننده با آگاهی کامل از این ماده‌ی شوم رویگردان باشد. هرچند ذکر همه‌ی خواص و آثار آن در محیط‌های عمومی و غیر علمی اشاعه‌ی فحشا به شمار می‌رود و از این جهت از ذکر همه‌ی ویژگی‌های آن خودداری می‌شود.

مشروبات الکلی - خمر و شراب - دارای انواع و اقسام فراوان و گسترده‌ای است و سابقه‌ای در

حد عمر بشر دارد و در هر زمان و مکانی تحت شرایط خاص، اقسام و انواع خاصی داشته، ولی در همه‌ی دوران از کلیت واحد و غایت ثابتی پیروی نموده و مردم در تمامی دوران تاریخ برای جلب انگیزه‌های شهوانی به انواع مختلفی از مشروبات دست یافته و خود را به آن مشغول داشته‌اند.

امروزه، این گونه مسکرات به‌طور گسترده وجود دارد و تهیه‌ی آن حتی برای مسلمانان نیز به راحتی امکان پذیر است.

صورت برخی از مشروبات الکلی رایج در ایران که مورد مصرف معتادان به خمر است از این قرار می‌باشد:

عرق میهن

این شراب مخصوص کسانی است که از مشروبات الکلی به مقدار زیاد و مدت طولانی استفاده کرده‌اند و چه نازیباست که نام میهن را یدک می‌کشد.

عرق خورشید

عرق خورشید، همانند عرق میهن سنگین است و مستی و خماری بسیاری را دنبال دارد و در اعتیاد هرچه سریع‌تر افراد نقش مؤثری دارد.

عرق پنجاه و پنج

کسانی که در پی بدمستی و زودمستی هستند و آماده‌ی درگیری، دعوا و چاقوکشی می‌شوند بیش‌تر از این ماده‌ی شوم استفاده می‌کنند؛ چرا که هم آن‌ها را گرم می‌کند و هم کم‌تر هوش و حواسشان را تحلیل می‌برد و دیرتر از توان می‌افتند.

عرق سلطانی

این ماده‌ی شوم بیش‌تر مورد مصرف افراد شهوت‌ران و خوش‌گذران قرار می‌گیرد و بزم‌آرای افراد لجن و آلوده است. افراد غیر معتاد به شراب توان استفاده از آن را ندارند.

کنیاک حصیری

عرق کنیاک حصیری بسیار سنگین و پرتلاطم است و نشنگی و سرمستی و خماری بسیاری همراه دارد.

شراب طبی

شراب طبی حالت شهوانی عارض می‌کند. البته، مورد استفاده‌ی همگان نیست و تنها معتادان به خمر توان استفاده از آن را دارند.

آب جو شراب مستقلی است و مورد مصرف همه‌ی شراب‌خواران قرار می‌گیرد. افراد حرفه‌ای با این مایه‌ی نجس نشئه نمی‌شوند و از آن به جای آب استفاده می‌کنند و شراب را همراه آن مصرف می‌کنند و آب‌جو را در ردیف نوشابه و تنقلات خود به حساب می‌آورند.

اصطلاحات و خواصی بحث

پنج سیر و خوراکی همراه از اصطلاحات شراب‌خواران است.

پنج سیر از هر نوع شراب - همانند تمامی مایعات - سیصد و هفتاد و پنج گرم می‌باشد که واحد چتول و بطری می‌باشد.

خلاصه‌ی بحث

همان گونه که گذشت، مواد شوم الکلی مایه‌ی هر فساد و عامل هر گناه و عصیانی است و تنها دنیاداران و سبک مغزان فاسد از آن به خوبی استقبال می‌کنند و خوبان و کسانی که به نوعی زیرکی دارند؛ هرچند از عقل صوری اندکی نیز برخوردار باشند هرگز به این گونه

مایعات و فسادهای آن تن در نمی‌دهند و خود را به آن آلوده نمی‌سازند. تمام سخنان و ادعاهای شیرین در این باره، هم‌چون: این مواد خوب است، بسیار عالی است، خواب خوش دارد، چنین و چنان می‌کند، همه و سواس شیطنانی و هوسات نفسانی است که در محاورات شراب‌خواران استفاده می‌شود. البته، مشروبات الکلی دسته‌ای از خصوصیات را دارد، ولی زیان‌های فراوان عقلی و معنوی آن به مراتب در انسان نقش منفی بسیاری دارد.

امروزه، شراب و دیگر مسکرات، در سراسر جهان، دنیای انسانی را در مخاطره و احاطه‌ی خود قرار داده است و هر روزه فجایع بسیاری هم‌چون بی‌عفتی، خودفروشی، آدم‌کشی، جنایت و بی‌بندوباری را به جامعه‌ی پریشان انسانی عرضه می‌دهد و برای آدمی بیش‌ترین زیان را به ارمغان می‌آورد.

فهرست منابع

(۱) قرآن کریم.

(۲) حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل

الشیعة إلى تحصیل مسائل الشريعة، تهران، الاسلامیة (بیروت - داراحیاء التراث العربی).

(۳) صدوق، محمدبن علی بن بابویه، علل

الشرائع، نجف الأشرف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۶ق.

(۴) کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران،

دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۸۸ق.

٥) نوري طبرسي، ميرزا حسين، مستدرک
الوسائل و مستنبط المسائل، قم، آل البيت للطباعة،
الطبعة الأولى، ١٤٠٨ق.

